



حسین عسکری

شهاب شریعت و نام آوران ساوجبلاغ

علمی در فنون و علوم مختلف پرداخت. آیت الله مرعشی نجفی (ره) کتابخانه ای عظیم در قم ایجاد کرد که نسخه های خطی نفیس و منابع مهم بسیاری را در خود جمع کرده و همواره محلی اطمینان بخش و پیر ثمر برای پژوهشگران و اهل علم از سراسر جهان به شمار می رود. (ر.ک: موسوی زاده، ۱۳۸۹: ۲۵۶).

آیت الله العظمی سید شهاب الدین حسینی مرعشی نجفی (۱۲۷۶-۱۳۶۹ ش) مرجع بزرگ دینی و بنیانگذار یکی از بزرگترین کتابخانه های جهان اسلام در شهر قم است. وی سالیانی چند در حوزه های علمیه نجف و قم به تحصیل علوم دینی پرداخت و به دریافت بیش از دویست اجازه اجتهاد و روایت از علمای بزرگ شیعه، اهل سنت و زیدیه نائل آمد. وی همچنین طی شصت و هشت سال تدریس در حوزه های پیش گفته، به تربیت هزاران شاگرد موفق گردید. ایشان از سالهای آغازین تحصیل در نجف، از محل دستمزد کارگری و روزه استیجاری به خرید کتاب و جمع آوری آثار علمی شیعه همت گمارد؛ چنانکه به چاپ و نشر صدها اثر ارزنده از علمای مسلمان و نگارش بیش از یکصد کتاب و رساله

منطقه ساوجبلاغ^۱ یکی از مناطق عالم

خیز و فرهیخته پرور ایران اسلامی

است که نشانه‌هایی ماندگار از آیت الله العظمی

مرعشی بر تارک خویش نشانده است. نام آورانی

که افتخار استادی یا شاگردی ایشان را داشته یا از

مشایخ اجازه‌وی به شمار می‌رفته‌اند. چنان که

آثار دست نویس حدود بیست تن از مشاهیر

این سامان در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی

مرعشی نجفی نگهداری می‌شود که خود دلیلی

دیگر بر پیوند عمیق علمی و فرهنگی منطقه

ساوجبلاغ با شهاب شریعت و فضیلت است.

در اینجا به معرفی شماری از استادان

و مشایخ آیت الله مرعشی نجفی

می‌پردازیم:

۱. حسین نجم آبادی تهرانی

آیت الله آقا حسین نجم آبادی تهرانی (۱۳۳۴ -

۱۳۰۷ ش) فرزند آقامحمد، فقیه و متکلم معاصر که

در تهران زاده شد و همان‌جا زیر نظر اهل علم خاندان

نجم آبادی، دروس مقدماتی را به پایان رساند. آنگاه در

سال ۱۳۰۷ ق به نجف اشرف هجرت کرد و در درس و

بحث حاج میرزا حبیب الله رشتی (م ۱۳۱۲ ق) و حاج

میرزا حسین خلیلی تهرانی (م ۱۳۲۶ ق) حضور یافت.

وی نزدیک به پانزده سال در نجف اشرف به فراگیری فقه

و اصول و دیگر علوم همانند نجوم و ریاضیات پرداخت

(تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۲، ۶۴۲؛ اعتماد السلطنه، ۱۳۶۳: ۱۹۴).

دانش اندوزی او در تهران بیشتر در زمینه معقول بود

و به قول استاد خود آقا محمدرضا قمشه ای صهبا

(م ۱۳۰۶ ق) «همه درس گفتنی استاد را در بروده بود».

همچنین میرزا ابوالحسن جلوه معروف به سیدالحکما

(م ۱۳۱۴ ق) عارف و حکیم نامدار شیعی، دیگر استاد

او در تهران بود (صدوقی سها، ۱۳۵۹: ۱۰۱). او پس از

مرگ پدر در سال ۱۳۰۳ ق، جهت تکمیل منقول به نجف

اشرف رفت و با دستی پر به تهران بازگشت و در مسجد

میرزا عبدالکریم نجم آبادی ساوجبلاغی واقع در محله

سنگلج به ترویج احکام و خدمات دینی اشتغال ورزید.

او به جهت پارسایی و دانش، مورد توجه مردم و اهل

علم قرار گرفت و در پایان عمر، ریاست دینی شهر

تهران را عهده دار شد (نجم آبادی، ۱۳۹۱: ۱۰). کتاب

های القسطاس المستقیم فی الاوزان و المقادیر، رساله

فی معرفه القبله، علم العقود (رساله عربی درباره علم

حساب) و حاشیه علی کتاب الارث من قواعد الاحکام

نوشته علامه حلی از آثار او است. نخستین اثر وی که

به خط فرزندش حاج حسن نجم آبادی (م ۱۳۵۵ ش)

است، در کتابخانه‌های آستان قدس رضوی و امیرالمومنین

نجف اشرف نگهداری می‌شود و دومین اثرش به

پیوست کتاب «تحفه الوارثین» نوشته شیخ مهدی نجم

آبادی (م ۱۳۳۶ ش) منتشر شده است (تهرانی، بی تا:

ج ۶، ۱۷۰). دو اثر پیش گفته، در سال ۱۳۹۱ ش با عنوان

ترکیبی «القسطاس المستقیم و تلیه رساله فی القبله» و

به کوشش موسسه آیت الله العظمی بروجردی در شهر

قم به چاپ رسیده است. آیت الله سید شهاب الدین

مرعشی نجفی و دکتر بدیع الزمان فروزانفر (م ۱۳۴۹ ش)

استاد نامدار ادبیات فارسی از شاگردان آقا حسین نجم

آبادی به شمار می‌رفتند (مرعشی نجفی، ۱۴۱۴: ۵۵؛

دوانی، ۱۳۷۹: ۴۳۰). پیکر او در آرامگاه شماره دو مقبره

شیخ هادی نجم آبادی واقع در جنوب شهر تهران به

خاک سپرده شده است.

۲. محمداقر نجم آبادی تهرانی

آیت الله شیخ محمداقر مجتهد نجم آبادی تهرانی

(۱۲۲۷ - ۱۳۰۷ ش) فرزند ملامهدی و از مجتهدان و زاهدان

نامدار تهران در روزگار قاجار بود. او دانش آموخته حوزه

علمیه نجف اشرف و از شاگردان حاج میرزا حبیب الله

رشتی و ملاعلی نهاوندی به شمار می‌رفت که پس از

مرگ برادرش آیت الله حاج شیخ هادی نجم-آبادی

در سال ۱۳۲۰ ق، ریاست خاندان نجم آبادی را عهده دار

شد (تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۲۷). وی در اخلاق و عرفان، از

شاگردان خاص ملا حسین قلی همدانی (م ۱۳۱۱ق) بود. سید محسن امین عاملی (م ۱۳۳۱ش) نویسنده کتاب اعیان الشیعه از جمله شاگردان او است (معلم حبیب آبادی، ۱۳۵۱: ۱۷۸۱؛ نجم آبادی، ۱۳۸۳: ۷). آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی هم از او اجازه روایت داشت (مرعشی نجفی، ۱۴۱۴: ۱۵۴).

نام آثار مکتوب برجای مانده از شیخ محمدباقر نجم آبادی به این شرح است: رساله فی المشتق، حاشیه علی المکاسب، آداب نماز شب، صلوه، کتاب الطهاره (شرح شرایع الاسلام نوشته محقق حلی)، اعمال مدینه طیبه، رساله فی کیفیه تطهیر المیاه و رساله دست نویس تقریرات الفقهیه به زبان عربی که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می شود (تهرانی، بی تا: ج ۶، ۲۱۷ و ج ۲۱، ۴۱). آرامگاه او و برادرش شیخ هادی در یکی از محله های قدیمی جنوب شهر تهران واقع است. عین السلطنه (م ۱۳۲۴ش) که شیخ محمدباقر را از نزدیک می شناخت، وی را «از آقایان خوب طهران و محل توجه خلق از حیث قدس و تقوی و نماز جماعت» معرفی کرده است (عین السلطنه، ۱۳۷۷: ۲۳۸۱).

۳. فتح الله شهیدی

آیت الله شیخ فتح الله شهیدی قزوینی (۱۲۶۱ - ۱۳۳۶ش) فرزند شیخ محمدصادق و نوه آیت الله شیخ محمدتقی برغانی (شهید ثالث)، از مجتهدان روزگار قاجار و پهلوی بود. وی پس از گذراندن مقدمات علوم اسلامی در حوزه علمیه قزوین، به نجف اشرف رفت و نزد آخوند ملا محمدکاظم خراسانی مشهور به صاحب -کفایه (م ۱۳۲۹ق)، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی مشهور به صاحب عروه (م ۱۳۳۷ق) و شیخ فتح الله شریعت اصفهانی معروف به شیخ الشریعه (م ۱۳۳۹ق) به درجه اجتهاد نایل شد (تهرانی، ۱۴۳۰: ج ۵، ۲۰). پس از بازگشت به زادگاه خود شهر قزوین، تولیت مدرسه سردار واقع در محله قُملاق را بر عهده گرفت.

از شیخ فتح الله چندین کتاب دست نویس در موضوعات فقهی باقی مانده که در کتابخانه شخصی نواده

او دکتر مهدی شهیدی (م ۱۳۸۳ش) نگهداری می شود؛ از آن جمله است: الفقه (در چند جلد)، قاعده لاضرر و لاضرار، تقریرات اصول خراسانی، تقریرات فقه یزدی (امین، ۱۴۱۵: ج ۶، ۲۰۱؛ شهیدی، ۱۳۷۶: ج ۱، ۱۱۱). آیت الله العظمی مرعشی نجفی از او اجازه نقل روایت دارد (مرعشی نجفی، ۱۴۱۴: ۱۲۲). شهیدی در اول آذر ۱۳۳۶ش در شهر قزوین درگذشت و پیکرش در قبرستان ابوحسین شهر قم به خاک سپرده شد (جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۱۲۴۹).

۴. هدایت الله شهیدی (حاج مجتهد)

میرزا هدایت الله شهیدی معروف به حاج مجتهد (م ۱۳۲۴ش) فرزند شیخ محمدصادق، قرآن پژوه و از مجتهدان ضد مشروطه بود. تحصیلات مقدماتی را در مدرسه صالحیه قزوین گذراند و سپس راهی اصفهان شد؛ در آن جا حکمت و فلسفه را از میرزا جهانگیرخان قشقایی (م ۱۳۲۸ق) فراگرفت. برای ادامه تحصیل به کربلا رفت و مدتی نزد آیت الله میرزا علی نقی برغانی صالحی مشهور به مدرس الطف (م ۱۳۲۰ق)، شیخ زین -العابدین مازندرانی (م ۱۳۰۹ق) و شیخ محمدحسین فاضل اردکانی (م ۱۳۰۲ق) شاگردی کرد. پس از آن رهسپار نجف اشرف شد و از درس استادان بزرگی چون آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، میرزا حبیب الله رشتی و آخوند ملامحمد ایروانی مشهور به فاضل ایروانی (م ۱۳۰۶ق) بهره -مند گردید و به درجه اجتهاد نائل آمد (امین، ۱۴۱۵: ج ۶، ۳۳۳؛ تهرانی، ۱۴۳۰: ج ۵، ۴۴۶، ۵۷۸). آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی از ایشان به عنوان مشایخ اجازه خود یاد کرده است (مرعشی نجفی، ۱۴۱۴: ۲۳۸).

میرزا هدایت الله پس از بازگشت به زادگاه خود (قزوین) علاوه بر تدریس در مدرسه صالحیه، امام جماعت مسجد شاه را بر عهده گرفت. با آغاز جنبش مشروطه خواهی، به جناح مخالفان مشروطه پیوست و همانند شیخ فضل الله نوری (شهادت ۱۳۲۷ق) از روحانیون مشروعه خواه بود. او در دوره استبداد صغیر (۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ق) همراه عمویش شیخ عیسی شهیدی (م

۱۳۳۹ق) فرزند شهید ثالث، طی تلگرافی به محمدعلی شاه قاجار (م ۱۳۰۳ش) از رفتار ضد مشروطه شاه قاجار پشتیبانی کرد. (گلریز، ۱۳۳۷: ج ۱، ۳۲۹ و ۱۳۶۸: ج ۲، ۶۴۴؛ ملک زاده، ۱۳۸۳: ۹۱۳). از تألیفات او کتاب های تحفه الانام فی معرفه الامام، اثبات الامامه الخاصه، الطهاره و الصلاه، القضاء و الشهادات، مقتل الحسين (ع)، المواعظ و الاخلاق و تفسیر قرآن است (تهرانی، بی تا، ج ۳، ۴۲۲؛ ج ۱۱، ۱۱۲).

۵. ابوتراب شهیدی

آیت الله میرزا ابوتراب شهیدی (م ۱۳۳۵ش) فرزند میرزا ابوالقاسم و نوه آیت الله شیخ محمدتقی برغانی (شهید ثالث) و برادرش شیخ محمدصالح برغانی، فقیه، مفسر، منتقد مشروطه و نظریه پرداز جنبش مشروطه خواهی بود. (امین، ۱۴۱۵: ج ۵، ۳۱۸). پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی و ادبیات عرب، دوره سطح را نزد عالمان خاندان برغانی در مدرسه صالحیه قزوین گذراند. در سال ۱۳۱۲ق در ۳۴ سالگی عازم عتبات مقدس گردید. در کربلا، فقه و اصول را نزد آیت الله میرزا علی نقی برغانی صالحی معروف به مدرس -الطف و آیت الله میرزا علامه برغانی صالحی (م ۱۳۱۰ق) بهره مند گشت (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۴۱). در نجف -اشرف نیز به حوزه درس بزرگانی مانند آخوند ملا محمدکاظم خراسانی، سید محمدکاظم طباطبایی یزدی و شیخ فتح الله شریعت اصفهانی معروف به شیخ الشریعه پیوست و پس از دوازده سال سکونت در عراق به درجه اجتهاد نایل شد (موسوعه مؤلفی الامامیه، ۱۳۷۹: ۴۸۸؛ دایره المعارف تشیع، ۱۳۷۵: ج ۱، ۳۹۱).

سید محمدکاظم یزدی صاحب عروه در اول ذی القعدة ۱۳۲۲ق در پاسخ به پرسش اهالی قزوین درباره اجتهاد و جایگاه علمی میرزا ابوتراب نوشته است: «جناب مستطاب عمده العلما العظام آقای حاجی میرزا ابوتراب شهیدی قزوینی دام علاه دارای قوه استنباط و ملکه اجتهاد می باشند...» ذیل همین اظهارنظر صاحب عروه، شیخ فضل الله نوری در ذی الحجه ۱۳۲۶ق پس

از گفت و گوی علمی با میرزا ابوتراب در تهران نوشته است: «در جناب مستطاب ملاذ الانام حاجی میرزا ابوتراب سلم الله تعالی، ملکه قدسیه استنباط و اجتهاد را یافتیم و جائز و راجح می دانم برای ایشان تصدی امور شرعیه حسبیه را از قبیل مراعات و حکم در فصل خصومات و غیرها...» آخوند خراسانی هم در اجازه نامه اجتهاد میرزا ابوتراب نوشته است که او از حضیض تقلید به اوج مطلق اجتهاد ترقی کرده و بر عموم مردم است که به انوار او هدایت یابند و به آثارش اقتدا جویند که او شایسته رهبری است (شهیدی، ۱۳۷۳: ۵۶). شیخ آقابزرگ تهرانی (کتاب شناس و رجالی بزرگ شیعه) از میرزا ابوتراب با عنوان «عالم، فاضل، جلیل و نویسنده چیره دست» یاد کرده است (تهرانی، ۱۴۰۴: ج ۱، ۲۸). آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی هم از او اجازه روایت دارد (مرعشی نجفی، ۱۴۱۴: ۱۰).

از میرزا ابوتراب شهیدی دوازده عنوان کتاب چاپی و دست نویس برجای مانده است: اسماء خجسته توحید (رساله ای فارسی درباره توحید و تفسیر آیه نور)؛ المکاسب (عربی)؛ رساله ای در موسعه و مضایقه؛ رساله فی الخراج و المقاسمه (عربی)؛ رساله ای در قضا و مسایل متفرقه؛ رساله سؤال و جواب عقل و عاقل؛ اصول الفقه (رساله ای عربی درباره استصحاب و مباحث الفاظ)؛ اقسام نجاسات و احکام آن و توضیح المظهر به (رساله ای فارسی در ردّ فرقه بابیت)؛ معنای لاله الا الله (رساله خطی که در کتابخانه مرحوم سرهنگ بیحی شهیدی نگهداری می شود)؛ التبین فی شرح آیات المواعظ و البراهین (دوره تفسیر قرآن کریم به زبان فارسی در پنج مجلد بزرگ که نسخه اصلی این تفسیر به خط نویسنده در کتابخانه عبدالحسین شهیدی صالحی در قزوین نگهداری می شود)؛ تذکره الغافل و ارشاد الجاهل (خط ملک الخطاطین، چاپ سنگی سال ۱۳۲۶ق در تهران) از رساله های شناخته شده مشروطه خواهان است که در دوره استبداد صغیر در نقد مشروطه نوشته شده است (تهرانی، بی تا: ج ۲۶، ۵۱؛ گلریز، ۱۳۶۸: ۲۲۹). میرزا ابوتراب مبانی مشروطه را ضدّ شرعی، کفر و الحاد و مجلس شورا را دارالکفر دانسته و اشکالات فقهی

در حال حاضر، آثار دست نویس متعلق به حدود بیست تن از علمای منطقه ساوجبلاغ در

کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود که شماری از آنان عبارتند

از: آیت الله شیخ محمد تقی برغانی مشهور به شهید ثالث (شهادت ۱۲۶۳ق)؛ علامه شیخ محمد صالح

برغانی (م ۱۲۷۱ق)؛ شیخ محمد علی برغانی معروف به ملا علی برغانی (م ۱۲۶۹ق)؛ حاج میرزا عبدالوهاب

برغانی صالحی (م ۱۲۹۴ق)؛ آیت الله آقا میرزا احمد برغانی صالحی مشهور به فخر الاسلام (م ۱۳۳۹ق)؛

آیت الله حاج شیخ محمد حسن برغانی صالحی (م حدود ۱۲۸۰ق)؛ شیخ محمد جعفر (جعفر) برغانی

(م ۱۳۰۶ق)؛ سید عباس حسینی برغانی مشهور به سید عباس کبیر (م پس از ۱۳۱۳ق)؛ سید قریش

حسینی ساوجبلاغی قزوینی (م حدود ۱۲۷۹ق)؛ آخوند ملا آقا حکمی قزوینی (م ۱۲۸۵ق)؛ آیت الله حاج

شیخ عیسی شهیدی (م ۱۳۳۹ق)؛ شیخ عبدالحسین علوی شهیدی (م ۱۲۹۲ق)؛ شیخ محمد تقی فشندی

ساوجبلاغی (م ۱۳۳۰ق)؛ آیت الله ملا علی قاریوز آبادی زنجان (م ۱۲۹۰ق)؛ ملا علی قشلاقی ساوجبلاغی

(زنده در ۱۲۴۲ق)؛ شیخ محمد ابراهیم قشلاقی ساوجبلاغی (م ۱۲۸۸ق)؛ میرزا محمد حسن نجم آبادی

(زنده در سال ۱۳۲۹ق)؛

طباطبایی حکیم (م ۱۳۴۸ش)، سید کاظم شریعتمداری (م ۱۳۶۵ش)، سید محمدرضا موسوی گلپایگانی (م ۱۳۷۲ش) و سید علی حسینی سیستانی تأیید کرده اند (شریف رازی، ۱۳۵۴: ۱۸۰؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ج ۲، ۶۳۲).

پس از مرگ پدرش در ۱۳۴۶ش با پافشاری روحانیون قزوین و حکم آیت الله مرعشی نجفی و آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (م ۱۳۵۳ش) امام جمعه قزوین شد و از سال ۱۳۴۱ش مبارزات سیاسی با رژیم پهلوی را آغاز کرد. او به دستور مراجع تقلید حوزه علمیه قم، سه بار با امیر اسدالله علم (م ۱۳۵۷ش) نخست وزیر وقت، دیدار کرد و اعتراض مراجع نسبت به مصوبات و لوایح دولتی را به او تذکر داد. گویند امام خمینی (ره) پس از شنیدن گزارش دیدار او با علم فرمود: «شما امشب را برای ما عید کردید!» اسناد برجای مانده از ساواک نشان می دهد که آیت الله شهیدی در فعالیت های انقلابی نقش به سزایی داشت؛ از جمله در گزارش دؤم اردیبهشت ۱۳۵۴ش آمده که «حاج میرزا عبدالله شهیدی امام جمعه قزوین که اغلب در قم بوده، اخیراً درباره تحریم شرکت و یا عضویت در حزب رستاخیز گفته: آقای خمینی اعلامیه تحریم داده ...». دیدار با امام در نجف اشرف در دوران تبعید و دیگر چهره های انقلابی

متعددی بر مشروطیت وارد کرده است. به همین دلیل برخی پژوهشگران، میرزا ابوتراب را همسنگ با میرزای نایینی می دانند (دایره المعارف تشیع، ۱۳۷۵: ج ۵، ۱۰۴).

آیت الله العظمی مرعشی نجفی شماری از طلاب و دانش دوستان ساوجبلاغی را تربیت کرد؛ به برخی از آنان اجازه اجتهاد داد و شماری را به مدارج علمی رساند:

۱. عبدالله شهیدی امام جمعه

آیت الله میرزا عبدالله شهیدی امام جمعه (۱۳۰۰ - ۱۳۷۳ش) فرزند شیخ عبدالحسین، مجتهد و فعال سیاسی و اجتماعی دوره پهلوی و انقلاب اسلامی بود. او فراگیری مقدمات علوم اسلامی را در مدرسه صالحیه قزوین آغاز کرد و سپس در سال ۱۳۲۱ش راهی حوزه علمیه قم شد. پس از طی سطوح عالی، در درس آیت الله سید محمد حجت کوه کمره ای تبریزی (م ۱۳۳۱ش) از مراجع تقلید شیعه حضور یافت. همچنین از دانش آیت الله سید حسین طباطبایی بروجردی (م ۱۳۴۰ش)، امام خمینی (م ۱۳۶۸ش)، آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی بهره مند گردید و به درجه اجتهاد نایل گشت. اجتهاد او را یازده تن از مراجع و مجتهدان نامدار همانند آیات عظام سید ابوالقاسم موسوی خویی (م ۱۳۷۱ش)، سید محسن

مقبره العلما به خاک سپرده شد (هزار، ۱۳۸۴: ۲۱۸؛ شهیدی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۷۷۸؛ جواهرکلام، ۱۳۸۲: ۹۸۸).

۲. سید احمد میرخانی

آیت الله حاج سید احمد میرخانی (۱۲۹۰ - ۱۳۷۲ ش) فقیه و قرآن پژوه معاصر شیعه، فرزند سید مصطفی حسینی برغانی بود. وی پس از تحصیلات مقدماتی در تهران، در سال ۱۳۱۵ ش رهسپار حوزه علمیه مشهد شد و طی ده سال از محضر علمای تفکیکی آن سامان همانند میرزا مهدی اصفهانی (م ۱۳۲۵ ش) و شیخ هاشم مدرس قزوینی (م ۱۳۳۹ ش) کسب دانش کرد. آن گاه به تهران بازگشت و در سال ۱۳۳۰ ش رهسپار قم گردید و از محضر آیات عظام سید شهاب الدین مرعشی نجفی، سید محمد حجت کوه کمره ای تبریزی، سید محمدتقی خوانساری (م ۱۳۳۱ ش) و سید حسین طباطبایی بروجردی بهره فراوان برد. سپس در سال ۱۳۳۳ ش به نمایندگی از سوی آیت الله بروجردی به تهران آمد و به فعالیت های تبلیغی و اجتماعی گسترده پرداخت (موسوی گرمارودی، ۱۳۷۳: ۱۹، ۱۶۶).

تکمیل ساختمان مسجد ولی عصر تهران و تشکیل کتابخانه آن با حدود سی هزار جلد کتاب، تأسیس مکتب ولی عصر (موسسه آموزش عالی اسلامی) برای بانوان در سال ۱۳۵۲ ش با همکاری تنی چند از استادان حوزه و دانشگاه، ایجاد موسسه صدوق جهت تعلیم و تربیت کودکان بی سرپرست در شهری، تأسیس دانشگاه آزاد اسلامی در رودهن، تأسیس مجتمع های دینی و رفاهی شامل مسجد، گرمابه، مدرسه و... در روستاهای اطراف تهران، کرج و شهریار، فعالیت های فرهنگی و تبلیغی در خارج کشور جهت تقویت شیعیان به ویژه در زمان امام موسی صدر در لبنان و کمک به احیای جلد های پانزدهم و شانزدهم کتاب بحار الانوار و دوره ۲۴ جلدی کتاب «مرآت العقول» نوشته علامه محمدباقر مجلسی (م ۱۱۱۰ ق) بخشی از آثار و فعالیت های علمی و اجتماعی

در حبس و تبعید و حمایت های مادی و معنوی از آسیب دیدگان رویدادهای انقلاب در شهرهای کرمان، آبادان و کردستان از جمله فعالیت های سیاسی او بود که با هماهنگی مراجع تقلید وقت و یا به طور مستقل انجام می شد (شیرخانی، ۱۳۸۸: ۱۵۳، ۱۶۵؛ شهیدی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۷۷۷؛ خمینی، ۱۳۸۵: ۴۷۸).

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نزدیک به دو سال امامت جمعه قزوین و عضویت مؤثر در «هنیت علمیه قزوین» را بر عهده داشت تا اینکه به درخواست آیت الله مرعشی نجفی به شهر قم مهاجرت کرد. او بسیار مورد توجه استادش بود، به گونه ای که علاوه بر عضویت در هیئت استفتای فقهی و گروه تدوین کتاب «ملحقات الاحقاق» نوشته قاضی نورالله مرعشی شوشتری (شهادت در ۱۰۱۹ ق)، مدیریت مدارس علمیه آن مرجع تقلید شیعه را نیز به دست گرفت. مدیریت او بر چهار مدرسه «مرعشیه»، «مؤمنیه»، «شهابیه» و «مهدیه» زیانزد بود. معروف است که آیت الله مرعشی نجفی در پاسخ به پافشاری گروهی از اهالی قزوین که برای بازگرداندن آیت الله شهیدی به قم سفر کرده بودند، گفته بود: «... شما می خواهید چشم مرا با خود به قزوین ببرید!» (رفیعی (علامه روستی)، ۱۳۷۳: ۲۰۴، ۲۳۴؛ سیفی، ۱۳۸۷).

تجدید بنای بقعه امامزاده سید محمد، مرمت اساسی مسجد شهید ثالث و احداث درمانگاه در شهر قزوین و حسینییه قزوینی ها در شهر مشهد از فعالیت های اجتماعی او به شمار می رود. کتاب «اخلاقیات»، «تفسیر سوره های حمد، بقره و یوسف» در شش دفتر، «المعراج: تفسیر سوره اسراء» در سه دفتر، سی دفتر در موضوعات متنوع اسلامی و تقریرات درس آیت الله بروجردی و امام خمینی و دیگر استادان، از آثار دست نویس آیت الله شهیدی است که تاکنون به چاپ نرسیده است. او در روز پنج شنبه ۱۸ فروردین ۱۳۷۳ ش در شهر قم درگذشت و پیکرش با نماز آیت الله محمد فاضل لنکرانی (م ۱۳۸۶ ش) در آرامستان باغ بهشت مشهور به

آیت الله میرخانی به شمار می‌روند (خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۲۱۹۱؛ موسوی گرمارودی، ۱۳۷۳: ۴۷، ۵۵).

۳۲ عنوان اثر چاپ شده و چاپ نشده از او برجای مانده است که فهرست آنها را در ذیل می‌خوانید: آیات الاحکام (پنج مجلد)، سیر حدیث در اسلام (با مقدمه شیخ علی دوانی)، منابعی از سوره مرسلات و هل اُتی، تاریخ اجتهاد و تقلید، شرح زیارت عاشورا، شرح اصول کافی (دو مجلد)، مباحثی در دفاع از ولایت، مقدمه قرآن و تفسیر سوره حمد (دو مجلد)، تفسیر سوره نساء (دو مجلد)، تفسیر سوره اعراف، تفسیر سوره یوسف (دو مجلد)، تفسیر سوره های یاسین، مزمل، قیامت، مدثر و واقعه (در پنج مجلد جداگانه)، نماز شب، کشکول، مجموعه چند منبر (سه مجلد)، ترجمه لئالی الاخبار جلد های یک و دو و ترجمه جلد نهم بحار الانوار و رسایل چاپ نشده (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲: ۱۰۶۹؛ سبحانی تبریزی، ۱۳۸۳: ج ۱، ۷۱۵).

۳. عبدالحسین شهیدی صالحی

استاد عبدالحسین شهیدی صالحی (م ۱۳۹۳ش) مشهور به شیخ عبود، قرآن پژوه و از نویسندگان اصلی دایره المعارف تشیع، وی در ۱۹ دی ۱۳۱۴ش در خاندان برغانی مقیم کربلا زاده شد. پدرش شیخ حسن صالحی (م ۱۳۵۹ش) از روحانیون مبارز حوزه علمیه کربلا بود. او در کنار فراگیری علوم جدید به کسب علوم اسلامی پرداخت و ادبیات عرب را در مدرسه هندی کربلا نزد شیخ جعفر رشتی به پایان رساند؛ سپس فقه و اصول را نزد شیخ محمد حسین مازندرانی و تفسیر را از آیت الله سید محمد حسینی شیرازی (م ۱۳۸۰ش) فراگرفت و در ایامی که آیت الله محمد هادی معرفت (م ۱۳۸۵ش) به کربلا می آمد، از دانش او هم بهره مند می شد. حدیث و تاریخ تشیع را از شیخ آقابزرگ تهرانی مشهور به صاحب الذریعه (م ۱۳۴۸ش) آموخت و به دریافت اجازات شرعی از مراجع کربلا، نجف اشرف و قم نایل گردید. از جمله اجازات او می توان به اجازه صاحب الذریعه در سال ۱۳۴۷ش

و سه اجازه آیت الله سید شهاب الدین مرعشی نجفی شامل سه طریق روایت از امامیه، زیدیه و اهل سنت اشاره کرد.

سفرهای علمی و پژوهشی به هند، پاکستان، کشورهای عربی و اروپایی؛ شرکت در کنگره های بین المللی؛ نگارش مقالاتی به زبان های عربی و فارسی در مطبوعات مذهبی ایران، عراق، لبنان و مصر؛ مدیریت هیئت تحریریه هفته نامه عرب زبان المجتمع و همکاری با استادش شیخ آقابزرگ تهرانی در نگارش کتاب های الذریعه الی تصانیف الشیعه و طبقات اعلام الشیعه از جمله فعالیت های استاد شهیدی صالحی هنگام سکونت در عراق است. (عقیقی بخشایشی، ۱۳۸۲: ۱۱۹۳؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۴۳). وی در سال ۱۳۳۸ش به ایران آمد و به دلیل اقامت طولانی در تهران، زبان و ادبیات فارسی را به خوبی فراگرفت. او در این شهر، شاگرد آیت الله سید ابوالحسن رفیعی قزوینی (م ۱۳۵۳ش) بود. در همان سال ها، به دلیل فعالیت های سیاسی علیه رژیم پهلوی بازداشت شد و بر اثر شکنجه، بخشی از شنوایی خود را از دست داد. پس از رهایی از زندان، مدتی پنهانی زندگی کرد و در سال ۱۳۴۰ش از طریق زاهدان به پاکستان گریخت و از آنجا به هند پناه برد. او پس از بازگشت به زادگاهش، در حوزه علمیه کربلا به ادامه تحصیل و پژوهش پرداخت. (شیرخانی، ۱۳۸۸: ۱۱۶).

شهیدی در سال ۱۳۵۰ش طی ماجرای برخورد شدید حزب بعث با شیعیان و حوزه کربلا، مدتی بازداشت گردید و پس از آزادی، ناگزیر به ایران آمد و در شهر قزوین به فعالیت علمی و فرهنگی پرداخت. او در این شهر، مدتی نزد آیت الله سید جلیل زربادی (م ۱۳۷۳ش) فرزند آیت الله سید موسی زربادی قزوینی شاگردی کرد. همکاری و نگارش مقالات متعدد در دایره المعارف الاسلامیه الشیعیه (چاپ بیروت)، دایره-المعارف الحسینی (چاپ لندن)، دایره المعارف تشیع، دانشنامه جهان اسلام، دانشنامه قرآن و قرآن پژوهی و نشریات حوزه علمیه قم، انتشار بخشی از کتاب «غنیمه المعاد فی شرح

الارشاد» نوشته شیخ محمد صالح برغانی (م ۱۲۷۱ق) با عنوان «موسوعه البرغانی فی فقه الشیعه» در هشت جلد، همکاری با سید حسن امین (م ۱۳۸۱ش) در نگارش مستدرکات اعیان الشیعه، انتشار دو اثر از آیت الله شیخ محمد تقی برغانی مشهور به شهید ثالث و همکاری با کورکیس عواد در نگارش «معجم المؤلفین العراقيين» و شیخ علاء الدین علوی شهیدی (م ۱۳۵۳ش) در ترجمه و تعلیق «رسائل اخوان الصفا» از جمله فعالیت های او در این مقطع زمانی است (شهیدی صالحی، ۱۳۹۰: ۲).

نام آثار چاپ شده و دست نویس استاد شهیدی صالحی به این شرح است: الحوزات العلمیه فی الاقطار الاسلامیه (عربی)؛ تلخیص کتاب دور المراقده فی حیات الشعوب (عربی) نوشته شیخ محمد صادق محمد الكرباسی؛ آیه المباهله (تفسیر آیه ۶۱ سوره آل عمران به زبان عربی)؛ اسباب النزول (عربی)؛ تفسیر و تفاسیر شیعه؛ الشیعه و اتّساع التشريع (تفسیر ۵۲۰ آیه فقهی قرآن کریم به زبان عربی)؛ غزوات الرسول فی الکتاب (عربی)؛ لسان التأویل (فارسی)؛ رموز القرآن (فارسی)؛ مفسران شیعه قزوینی (خطی و به زبان فارسی)؛ قره العین علی حقیقتها و واقعها (خطی و به زبان عربی)؛ کربلا فی حاضرها و ماضیها (خطی و به زبان عربی در شش جلد)؛ مجموعه مقالات کنگره بزرگداشت شهید ثالث (برگزار شده در شهریور ۱۳۸۷ش در شهرستان ساوجبلاغ)؛ تحقیق و مقدمه کتاب های الغدیریه العینیه، تفسیر البرغانی مشهور به تفسیر وسیط نوشته شیخ محمد صالح برغانی؛ کتاب های دیات و مسلک الراشدین نوشته شهید ثالث و کتاب های هکذا قتلوا قره العین و الفیلسوف الثائر السید جمال الدین الأفغانی نوشته دکتر علی الوردی (م ۱۳۷۴ش) (آل-طعمه، ۱۴۲۰: ۱۳۶؛ دانشنامه دانش گستر، ۱۳۸۹: ۶۸۹؛ خرمشاهی، ۱۳۷۷: ۱۳۴۳) کتابخانه شخصی استاد شهیدی صالحی در قزوین، از جمله کتابخانه های ارزشمند ایران است. او در سال ۱۳۵۰ش بسیاری از تألیفات خاندان علمی برغانی در ایران و عراق را گرد آورد. اکنون کتابخانه او شامل دو هزار نسخه خطی و بیش از ده هزار کتاب چاپی است (صمدیها، ۱۳۹۲: ۶۵، ۱۲۴). «تداوم شیخیه قزوین در

مکتب تفکیک» از جمله دیدگاه های او است که در دایره المعارف الاسلامیه الشیعه و برخی آثارش منتشر شده است (امین، ۱۴۲۳: ۱۱۱؛ شهیدی صالحی، ۱۳۸۴: ۶۰).

قابل ذکر است که در حال حاضر، آثار دست نویس متعلق به حدود بیست تن از علمای منطقه ساوجبلاغ در کتابخانه بزرگ آیت الله العظمی مرعشی نجفی نگهداری می شود که شماری از آنان عبارتند از: آیت الله شیخ محمد تقی برغانی مشهور به شهید ثالث (شهادت ۱۲۶۳ق)؛ علامه شیخ محمد صالح برغانی (م ۱۲۷۱ق)؛ شیخ محمد علی برغانی معروف به ملاعلی برغانی (م ۱۲۶۹ق)؛ حاج میرزا عبدالوهاب برغانی صالحی (م ۱۲۹۴ق)؛ آیت الله آقا میرزا احمد برغانی صالحی مشهور به فخر الاسلام (م ۱۳۳۹ق)؛ آیت الله حاج شیخ محمد حسن برغانی صالحی (م حدود ۱۲۸۰ق)؛ شیخ محمد جعفر (جعفر) برغانی (م ۱۳۰۶ق)؛ سید عباس حسینی برغانی مشهور به سید عباس کبیر (م پس از ۱۳۱۳ق)؛ سید قریش حسینی ساوجبلاغی قزوینی (م حدود ۱۲۷۹ق)؛ آخوند ملا آقا حکمی قزوینی (م ۱۲۸۵ق)؛ آیت الله حاج شیخ عیسی شهیدی (م ۱۳۳۹ق)؛ شیخ عبدالحسین علوی شهیدی (م ۱۲۹۲ق)؛ شیخ محمد تقی فشندی ساوجبلاغی (م ۱۳۳۰ق)؛ آیت الله ملاعلی قاریوزآبادی زنجانی (م ۱۲۹۰ق)؛ ملاعلی قشلاقی ساوجبلاغی (زنده در ۱۲۴۲ق)؛ شیخ محمد ابراهیم قشلاقی ساوجبلاغی (م ۱۲۸۸ق)؛ میرزا محمد حسن نجم آبادی (زنده در سال ۱۳۲۹ق)؛

پی نوشت:

۱ ساوجبلاغ واژه ای ترکی و به معنای «چشمه سرد» است. ساوج در اصل همان سوبوق ترکی به معنی سرد بوده است. از بررسی منابع تاریخی و جغرافیای تاریخی چنین برمی آید که منطقه ساوجبلاغ پیش از آنکه به این نام خوانده شود از توابع ملک ری بوده و با مهاجرت آذری زبان ها، نام ساوجبلاغ بر آن اطلاق شده است. حمدالله مستوفی (تالیف ۷۴۰ق) آورده که ساوجبلاغ ولایتی است که در اوان سلاجقه، مال به ری می داده و در عهد مغول سوزی شده، هوایی به غایت خوب دارد. اکثر آبش از قنوتات است. میوه و غله اش بسیار می باشد و نانش در غایت نیکویی. از اعظم قرائی آنجا خراو و نجم آباد و سنقرآباد است و در سنقرآباد سادات عالی نسب و حسب اند و الحال خراب است» (مستوفی قزوینی، ۱۳۷۸: ۱۰۶). ساوجبلاغ پس از جدایی از ملک ری در قرن هفتم هجری به

سرزمین قزوین پیوست. اما در آغاز حکومت قاجار از قزوین هم جدا شد و به دارالخلافه طهران ملحق گردید. این تغییرات جغرافیایی باعث شده که پسوند نام گروهی از نام آوران ساوجبلاغ، «قزوینی» و یا «تهرانی» باشد. خاندان های علمی و فرهنگی «نجم آبادی»، «میرخانی»، «افشار قاسملو»، «ساوجبلاغی» و «برغانی» شامل شش خاندان (شهیدی، «صالحی»، «علوی شهیدی»، «فشندی»، «حکمی» و «عطاری» ریشه در ساوجبلاغ دارند (عسکری، ۱۳۸۲: ۲۷). منظور از ساوجبلاغ در این مقاله، همان محدوده ساوجبلاغ تاریخی و فرهنگی است که شامل دو شهرستان ساوجبلاغ و نظرآباد و بخشی از شهرستان کرج در استان البرز و گوشه ای از شهرستان آلیک از توابع استان قزوین است.